

روایتی درباره قدمت صنعت پوستین‌دوزی و طراحی پالتو و لباس‌های گرم در مشهد قدیم

تاریخ تن‌پوش‌های زمستانی

کمال سیستانی

در پی سرمای عجیب چند روز گذشته که وضعیت کمبود گاز و برق هم با بحران روبه‌رو شده بود، شاید تنها یا بهتر بگوییم ابتدایی‌ترین جان‌پناه سرما برای مردم قرن بیست و یکم، همین لباس‌های گرم پشمی و پنبه‌ای بودند که تن‌پوشی شدند در برابر نامهربانی دی‌ماه، اما شاید جالب باشد بدانید همین لباس‌ها که جز سه ماه آخر سال، باقی‌ایام را کنج کمدهای لباس‌مچاله می‌شوند، تاریخی دارند بلند، به بلندای زمستان‌های قدیم؛ حکایتی که ریشه در اقتصاد و معیشت این شهر داشته و روزگاری مواد اولیه بافتِ آن‌ها، یکی از صادرات مهم خراسان محسوب می‌شده است. گزارش پیش‌رو گذری است بر تاریخ ورود پالتو و لباس‌های زمستانی به مشهد و صنعت صادرات پوست و پوستین‌دوزی در ارض اقدس.

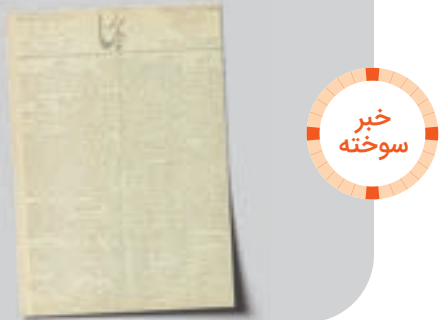


- پوست، صنعتی چند قرن‌ی در ارض اقدس

ملموس‌ترین تغییر در پوشش و لباس مردم ایران و مشهد امروز را باید هم‌زمان با قانون کشف حجاب رضاخانی دید. در واقع پس از این واقعه است که پوشیدن مانتوهای بلند در تابستان و لباس‌های پشمی و پالتوها در زمستان باب می‌شود. نخستین مغازه‌هایی هم که محل عرضه لباس‌های پنبه‌ای و پالتوهای پشمی و پوستی بودند در محله ارگ شکل می‌گیرند که با همه اندک بودنشان، عمده محصولاتشان را از روسیه وارد می‌کرده‌اند. این موضوع البته به این معنا نیست که مشهدی‌ها به تولید پالتو یا لباس زمستانی قادر نبودند که برعکس، ارض اقدس از قدیم‌الایام به دلیل داشتن دام‌های بسیار و رونق دام‌پروری در آن، یکی‌از مراکز مهم تولید پوست و روده بوده، آن‌چنان که پوست خراسان در دوره قاجاریکی از کالاهای مهم‌صادراتی بوده و قسمتی از مال‌التجاره بازرگانان هراتی و کشمیری را در کاروان‌ها پر می‌کرده است، علاوه بر این پوستین‌دوزی یکی از مشاغل قدیم مشهدی‌ها محسوب می‌شده که خاطره حجره‌هایشان در بازارهای قدیم اطراف حرم در نوشته سیاحان و پژوهشگران ثبت شده است.

برای نمونه مرحوم غلامحسین بقیعی در کتاب «مشاغل قدیم مشهد» می‌نویسد: «بازار خوب پوستین در مشهد سبب می‌شود در دوره قاجار، تعدادی از پوستین‌دوزان کابلی برای کسب‌وکار به مشهد بیایند. این گروه که در محله نوغان ساکن می‌شوند، کارشان در تمام سال با رونق بسیار همراه بوده، اما اوج فعالیتشان مربوط به اواخر تابستان تا نیمه‌اسفندمی‌شده که فصل کشتار دام‌بوده‌است.» او همچنین توضیح می‌دهد که پوستین مشهد، از پوست بره شیر مست دوخته می‌شده که دارای پشم نرم سفیدی بوده است و به آن «بغنه» می‌گفته‌اند.

قتل در شریف‌آباد



خبر سوخته

زهراپزند! شیرین‌ترین لطایف نظم‌ونثر درباره آداب و رسوم مردم خراسان را می‌توان در کتاب «کشکول خنده» اصغر میرخدوی به لهجه مشهدی خواند. این شاعر خراسانی در شعری با عنوان «لباس‌های قدیم» به توصیف پوشش یک زن مشهدی هنگامی که به خیابان، حرم و مهمانی می‌رود، پرداخته است. میرخدوی از یک نوع پارچه به نام قِذک نام می‌برد که اطراف خراسان بافته و برای دوختن شلوار از آن استفاده می‌شده است.

پوشیدن دلق‌های بلند هنگام رفتن به حرم و چادرنماز و چارقد هم‌وزن مهمانی بوده که از نگاه‌تیز و طنز میرخدوی دورنمانده است. قسمت اول این شعر را در ادامه می‌خوانید.

بشنو از لباس پُنگم لباسای قدیمی با که دیگه حال گُنه و هست وجودش
کیمیا اگه ای دوره همه‌ش شلوار جین و لی مُده حالا یا خیلی خونه یا قول بعضی بیخوده
او زمان به پا میگردن شلوارای قذکی*
بوگو کی؟ او دلبرای نازنین نمکی
دخترای خُنه و خانمای جالفاخته
تو کوچه چادری بودن و همه پیچه* زده از زیر پیچه گاؤفته*
پوزخندی مژدن پیرزنا که به بجای پیچه روبندی مژدن
روی شلوار قِذک تا عینه زانو دلاق با چپر دلاقی مرفتن صحن و تو رواق

روزنامه بهار

دوم صفر ۱۳۳۷ قمری

در رباط کلمبه بین راه شریف‌آباد و شهر، نشی یک دهاتی را می‌بینند که به ضربت‌های سخت چوب‌دستی مرده‌است و جمعیتی دور او را گرفته‌اند. پس از تحقیق معلوم می‌شود عده‌ای از مکاری‌های شیرازی که از قرار اظهارات خودشان حمله‌دار انگلیس‌ها بوده‌اند، چون رباط کلمبه از آبادی دور بوده است، برای آوردن علیق و سایر لوازم، امیرخان نامی را که اهل آن حدود بوده، واسطه معامله قرار داده‌اند که در عوض مزدِ قلیلی خدمتی نموده

هفته، یک کارخانه پوستین‌دوزی با ۱۵۰۰ کارگر راه‌اندازی می‌کند. یک هفته بعد، تولید روزانه کارخانه پوستین‌دوزی به ۴۰۰ پوستین و ۸۰۰ جلیقه پوستینی می‌رسد. اما پیش از اینکه سفارش به طور کامل تولید شود، آلمان‌ها از استالینگراد عقب‌نشینی می‌کنند و کارخانه پوستین‌دوزی هم تعطیل می‌شود، ولی این اتفاق تأثیر بسیار بدی بر وضعیت دام‌داری و دام‌پروری در خراسان می‌گذارد.

- تأسیس شرکت جلدینه برای معاملات خریدوفروش همه قسم پوست

اما تأسیس شرکت برای صدور پوست که یکی از اقلام مهم صادراتی ایران بوده است، از اواسط سال ۱۳۱۴ خورشیدی عملی می‌شود. ابتداء تهران شرکت جلدینه برای معاملات خرید و فروش همه قسم پوست تشکیل می‌شود و سپس در مشهد که از مراکز عمده صادرات پوست بود، یک شرکت سه‌امی با عنوان پوست‌های نرم و شکاری خراسان‌پامی گیردود رادامه‌هم از طرف شریفی، کفیل ایالت خراسان، برای تشکیل شرکت پوست‌های نرم خراسان از تجار علاقه‌مند دعوت می‌شود.

آغاز به کار شرکت پوست و روده خراسان یکی دیگر از شرکت‌هایی که بعدها فعالیت خود را در حوزه پوست آغاز می‌کند، شرکت پوست و روده خراسان است که سال ۱۳۱۶ با سرمایه ۵۰۰ هزارریال دایر می‌شود. سهام‌داران این شرکت نیز تجار فعال در زمینه پوست نظیر خلیل کوزه‌کنانی، حاج محمد باقرزاده، اباذر مهدیان و دیگران بودند. یک سال بعد از این تاریخ نیز (در شهریور ۱۳۱۷) شرکت سه‌امی روستایی تأسیس می‌شود تا به خریدوفروش کالاهای موردنیاز روستاییان بپردازد که پشم و کرک هم در صدر آنان قرار داشت. رد و نشان این صنعت و به راه‌افتادن مراکز تولید پشم را در ادامه می‌توان در اطراف مشهد نظیر شاندیز، درگز و قوچان هم دید آن چنان که برابر نوشته وثیقی در دهه ۴۰، مراکز تهیه فراورده‌های



پوستی شاندیز بر مشهدپیشی می‌گیرند. در این دوران پوستین‌دوزان شاندیز پوست گوسفند را به‌صورت خام از قصاب‌ها و پوست‌فروشان مشهد در کاروان سرای پوست‌فروش‌های می‌خریدند و با آن پوست‌های دوشی، عبا و جلیقه تهیه می‌کردند که محصولات تولیدی‌شان همیشه به‌وسیله چند سمسار در بازار بزرگ قدیم مشهد خریده می‌شده است.

- راهیابی مد و فشن به حوزه دوخت پالتو و لباس‌های زمستانی در مشهد

سال ۱۳۲۷ خورشیدی شرکت تعاونی پوستین‌دوزان مشهد تشکیل می‌شود که تشکیل این تعاونی تحولی در تولید محصولات پوستی و زمستانی مشهد رقم می‌زند. در واقع با تشکیل این تعاونی اعضای این صنف تلاش می‌کنند با تغییر در الگوهای دوخت خود، مدل‌های جدیدی طراحی کنند و پس از این است که انواع پالتوهای کوتاه، متوسط و بلند و تونیکی برای خانم‌ها و کاپشن‌های پشمی و پنبه‌ای برای آقایان باب می‌شود. سال ۱۳۴۸ نیز به دستور دولت کارخانه‌ای برای پوستین‌دوزان در مشهد تأسیس و باعث می‌شود، پوست مشهد از نظر کیفی ترقی کند، به این صورت که امکاناتی فراهم می‌شود تا ابتدا پوست را گرم کنند و با این کار بوی بد پوستین را از بین ببرند. ناگفته نماند که بیشتر خریداران پوستین نیز زوار بوده‌اند آن چنان که در فصل‌های تابستان و تعطیلات عید، فروش روزانه پوستین در مشهد از طرف زوار به ۶۰ عدد در دهه ۵۰ قرن گذشته می‌رسیده‌است. یک اقدام دیگر که به رونق موضوع پوستین‌دوزی مشهد کمک می‌کند، احداث کارگاه بزرگ دباغی و آشگری پوست بوده است که برای این منظور نیز در سال ۱۳۵۰ خورشیدی، مبلغ ۷ میلیون ریال در بودجه سازمان عمران گنجانده می‌شود و فعالیت‌هایی نیز در داخل و خارج کشور برای معرفی پوستین مشهد انجام می‌شود که به بهبود وضعیت این صنعت کمک می‌کند.

گردشی پدرش کفیل حکومت شریف‌آباد است، سید قهوه‌چی را که در رباط کلمبه دکان محقری داشته، جلب نموده و حبس می‌کند و پنجاه تومان جریمه مطالبه می‌کند، به جرم اینکه آن سید این قضیه را به او خبر نداده و در عوض تعقیب قاتلین و کشف قضیه نسبت به یک سید فقیر بدبختی این قسم مؤاخذه و سیاست معمول می‌دارد، ای ایرانی بدبخت! ای ایرانی مظلوم! ما یقین داریم فرمانفرمای محبوب خراسان مقرر خواهند فرمود که قاتلین دستگیر و به مجازات سخت برسند تا عبرت دیگران شود.

مردی برای تمام ورزش‌ها



تعلیم و تربیت ورزشی دانشجویان بپردازد. او ۳۵ سال در دانشگاه مشهد خدمت می‌کند و در این مدت برای بیشتر رشته‌های ورزشی آن دوران، مسابقاتی برگزار کرده است، تعدادی نیز اماکن و میادین ورزشی بنیان می‌نهد. استاد بمبئی‌چی او آخر دی‌ماه سال ۱۲۷۵ دار فانی را وداع می‌گوید در حالی‌که قهرمانی در بسیاری رشته‌های ورزشی چون ستاره‌هایی کنار نامش می‌درخشیدند.

نامداران مشهدی

تاریخ و هویت! استاد حسین بمبئی‌چی دقیقاً یک قرن پیش در یکی از کوچه‌های خشت و گلی مشهد قدیم به دنیا آمد و بعدها نامش در رشته‌های مختلف ورزشی ماندگار شد. ماجرا از این قرار است که علاقه عجیب او به ورزش سبب می‌شود تا در سال ۱۳۲۲ خورشیدی و هم‌زمان با پایان دوران تحصیل، به استخدام اداره کل آموزش و پرورش خراسان درآید. آغاز راهی پانزده ساله که در دبیرستان فردوسی شکل می‌گیرد وقتی او در قامت یک معلم ورزش دست به تعلیم جوانان می‌زند. او همچنین در این دوران دو سفر طولانی با موتورسیکلت را به کشورهای مختلف جهان آغاز می‌کند و رکوردهایی در این رشته به ثبت می‌رساند. سفر نخست از مشهد به پاریس، به مدت ۱۲۸ روز در سال ۱۳۳۰ و سفر دوم از مشهد به هندوستان، به مدت ۷۸ روز در سال ۱۳۳۲ انجام می‌شود. حسین بمبئی‌چی سال ۱۳۳۸ به دانشگاه مشهد منتقل می‌شود تا با سمت رئیس تربیت بدنی دانشگاه به

مشهدیات

گفتارهایی در باب تاریخ و فرهنگ شهر بهشت (قسمت چهارم و پنجم) تاریخ مشهد به روایت «مفاتیح‌الجنان» (بخش نخست)

مرضیه ترابی

همه ما کتاب «مفاتیح‌الجنان» را یکی از کتاب‌های مهم و کلیدی در زندگی روزمره معنوی می‌دانیم، کتابی که در برگزیده ادعیه و زیارات گوناگون و متعددی است که موضوع‌های متنوع و پرشماری را شامل می‌شود. احتمالاً می‌دانید که مؤلف و گردآورنده این کتاب، یعنی شیخ عباس قمی، ۲۲ سال از عمر خود را در مشهد گذراند و برخی از آثار مشهور خودش را مانند «الفوائد الرضویه»، در همین شهر به‌رشته تحریر درآورد و مفاتیح‌الجنان هم، محصول سال‌های حضور وی در مشهد است. با این حال، شاید کمتر کسی این موضوع را بداند یا به آن توجه کرده‌باشد که «مفاتیح‌الجنان» شیخ عباس قمی – که به محدث قمی نیز شهرت دارد – صرفاً مجموعه‌ای از ادعیه و زیارات مشهور نیست. هر چند که در این کتاب ارزشمند، موضوع دعا و نیایش‌های مستند، محوریت دارد، ولی در فرازهایی از آن، می‌توان رد و نشانی از تاریخ را هم پیدا کرد، تاریخی که بنا به ماهیت ذاتی کتاب، عمدتاً در محدوده مطالعات تاریخ اسلام قرار می‌گیرد، البته با یک استثنای جالب تاریخی که قرار است درباره آن صحبت کنیم.

- توجه به تاریخ مشهد

شیخ عباس قمی در فصل مربوط به زیارت امام‌رضا^ع و پس از شرح سفر آن حضرت به مرو و ذکر حکایتی نه چندان معروف از دستور امام^ع برای ساخت دیگ از سنگ‌های کوهسنگی، به بخشی از تاریخ مشهد ورود پیدا می‌کند، گزارشی خاص و ویژه که به نقل از یک منبع بسیار مهم و مشهور تنظیم شده‌است، یعنی کتاب ارزشمند «مطلع الشمس»، اثر محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، وزیر انطباعات ناصرالدین شاه. رویکرد تاریخی شیخ عباس قمی درباره تاریخ مشهد، رویکردی مبتنی بر تاریخ شفاهی و مستند است. همان‌طور که اشاره کردیم، آن مرحوم بخشی از سرگذشت مشهد، یعنی فراز مربوط به استفاده از سنگ کوهسنگی را برای ساخت دیگ، بر اساس حکایتی مشهور نقل کرده‌است که در میان مشهدی‌های سال ۱۳۰۴ خورشیدی و ماقبل آن رایج بود (کتاب مفاتیح‌الجنان، نخستین بار در این سال منتشر شد). شیخ به دلیل حضور طولانی در شهر مشهد، طبعاً با این حکایت‌ها آشنایی کامل داشته‌است، ضمن اینکه او، روایت مربوط به دیگ‌های سنگی را مستند به کتاب یا سند خاصی نکرده و به همین دلیل، تکیه مرحوم شیخ عباس قمی بر روایات شفاهی، در نقل این گزارش، قطعی به نظر می‌رسد. او در این بخش از گزارش خود، از قریه «سناباد» و قنات این قریه که مشهور بود امام رضا^ع با آب آن وضو گرفته یا غسل کرده‌است نیز نام می‌برد و از مکانی سخن به میان می‌آورد که طبق گزارش برخی معمرین، گویا حمامی هم در محل آن ساخته‌بودند. این روایت هم، کاملاً بر اقوال شفاهی و شهرت عمومی متکی است و محدث قمی، به همین دلیل با وجود نقل روایت آن از اباصلت هروی، باز هم نوشته خود را مستند به کتاب یا منبع خاصی نکرده‌است.

- ورود تخصصی محدث قمی به تاریخ مشهد

اما ورود شیخ عباس قمی در کتاب ارجمند «مفاتیح‌الجنان»، به تاریخ مستند شهر مشهد، همان‌طور که اشاره شد، با فرازهایی از کتاب «مطلع الشمس» آغاز می‌شود، کتابی که با کمی تساهل، می‌توان آن را نخستین کتابی دانست که در آن، به صورتی علمی و در تراز آکادمیک، تاریخ مشهد مورد توجه قرار گرفته‌است (اعتمادالسلطنه فارغ‌التحصیل رشته تاریخ و جغرافیا از دانشگاه سوربن پاریس بود و او را یکی از بنیان‌گذاران سبک نوین تاریخ‌نگاری در ایران می‌دانند) توجه به شیخ عباس قمی به متن این کتاب، نشان‌دهنده سلیقه و دقت نظر ویژه و علمی اوست. چرا که واقعاً لزومی نداشت برای تکمیل بحث مربوط به زیارت ثامن‌الحجج^ع، این چنین با دقت، به سراغ یک منبع تاریخی برود، متن کتاب و موضوع آن، اصلاً سنخیتی با این قضیه پیدا نمی‌کرد و مؤلف، می‌توانست به راحتی از کنار آن بگذرد. اینکه چرا مرحوم شیخ عباس قمی در تنظیم این قسمت از کتاب ارجمند مفاتیح‌الجنان سلیقه به خرج داده و به سراغ شرح فرازهایی از تاریخ مشهد رفته‌است، می‌تواند دو دلیل داشته‌باشد:

نخست، مخاطبان کتاب «مفاتیح‌الجنان»، فارسی‌زبانانی بودند که قاطبه آن‌ها در ایران زندگی می‌کردند، از آنجا که اختلافات سیاسی و مرزی میان ایران و عثمانی، همواره اسباب زحمت زائران عتبات و حجاج می‌شد، بیشتر سفرهای زیارتی در ایران، طی دوره صفویه و پس از آن، بر سفر زیارتی مشهد تمرکز داشت. برخی جهانگردان معاصر صفویه، مانند «ژان باپتیست تاورنیه»، در سفرنامه‌های خودشان از تشویق گسترده حکومت صفوی برای سفر زیارتی به مشهد هم سخن به میان آورده‌اند؛ این جهانگرد فرانسوی در سفرنامه خود، ضمن اشاره به سفر شاه عباس یکم به مشهد مقدس که آن هم در فرازی از همین بخش از مفاتیح‌الجنان مورد توجه قرار گرفته‌است، می‌نویسد: «او (شاه عباس یکم) با سرمشق خویش، وسیله‌ای یافت تا اتباعش را از زیارت کربلا و نجف و دیگر اماکن مقدس منصرف سازد و دیگر جز به مشهد نروند و پیشکش‌های خود را آنجا ببرند.» این تحلیل که البته از ذهن و ذائقه یک مسیحی تراویده است، هر چند انطباق چندانی با واقعیت سفر زیارتی به مشهد در آن روزگار ندارد، اما نشان می‌دهد که اهمیت سفر به مشهد، به لایلی که برخی از آن‌ها را اجمالاً مورد اشاره قرار دادیم، برای ایرانیان بیش از دیگر سفرهای زیارتی بود و این دیدگاه، با گذشت حدود ۳۲۷ سال از آن وقایع (سفر شاه عباس در ۹۷۷ خورشیدی اتفاقی افتاد و نگارش مفاتیح‌الجنان در سال ۱۳۰۴ خورشیدی به پایان رسید)، کاملاً در ذهن مردم نهادینه شده و به دلیل کثرت زائران علی‌بن‌موسی‌الرضا^ع در میان مخاطبان «مفاتیح‌الجنان»، شیخ عباس قمی سلیقه به خرج داده و در فرازهایی از کتاب خود، با استفاده از تاریخ شفاهی و استناد به یک اثر تاریخی قابل توجه، تاریخ این مکان مقدس را بررسی کرده‌است تا خواننده، ضمن قرائت ادعیه و زیارات، از ماهیت تاریخی اماکنی که در آن مشغول زیارت است، باخبر و حتی از متن کتیبه‌هایی که در حرم رضوی مشاهده می‌کند، مطلع شود. دوم: دلیل دیگری که می‌توان در این زمینه اقامه کرد، ارادت فوق‌العاده مرحوم شیخ عباس قمی به امام‌رضا^ع و علاقه وصف‌ناپذیر او به حرم رضوی است. وی سال ۱۲۹۴ خورشیدی، ظاهراً به دعوت آیت‌ا... العظمی سیدحسین قمی راهی مشهد شد. خودش در مقدمه کتاب «فوائد الرضویه» می‌نویسد: «به جهت شدت ابتلا و گرفتاری و کثرت هموم و غموم که بر این داعی روی داد و شرح آن طولانی است، به‌خاطرهم رسید که بنام‌برم به امام اتقیا و پناه غربا حضرت ابو‌الحسن علی بن موسی‌الرضا^ع». این سفر که به اقامت ۲۲ ساله محدث قمی در مشهد منتهی شد، خودش حکایات شیرینی دارد که شاید در فرصتی دیگر، درباره آن‌ها صحبت کنیم.